

مشاور استاندار و سرپرست اداره کل روابط عمومی استانداری کرمان در دیدار مدیر و کارشناسان روابط عمومی دادگستری استان کرمان، گفت: «بهره‌گیری از نیروهای کارآمد و توانمند در مجموعه روابط عمومی‌ها اصلی مهم و اساسی است». محمدرضا نوح‌حیدری بیان کرد: «مدیران و کارشناسان روابط عمومی باید همگام با تغییرات جدید در حوزه اطلاع‌رسانی و شیوه‌های جدید اطلاع‌رسانی به پیش بروند و اطلاعات خود در این حوزه را به‌صورت مستمر، روزآمد کنند». وی با اشاره به این‌که امروز هر یک از افراد جامعه یک رسانه هستند و می‌توانند عملکرد مدیران و دستگاه‌ها را در فضای مجازی مورد سنجش قرار دهند، افزود: «در این راستا آشنایی کامل مدیران و کارشناسان روابط عمومی به قواعد اطلاع‌رسانی در فضای مجازی از اهمیت ویژه‌تری برخوردار است».

معاون سیاسی وزیر کشور، تاریخ آغاز ثبت‌نام از داوطلبان انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا را ۲۲ اسفندماه اعلام کرد. زین‌وند معاون سیاسی وزیر کشور گفت: آغاز پیش‌ثبت‌نام انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی ۶ آذر ۱۴۰۳ و آغاز ثبت‌نام از داوطلبان ۱۸ بهمن خواهد بود. وی تصریح کرد: برگزاری انتخابات در حوزه انتخابیه تبریز، آذرشهر و اسکوه قطعی است و برگزاری انتخابات در سه حوزه دیگر منوط به استفسار از مجلس خواهد بود. وی اظهار کرد: دستور انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس خبرگان رهبری ۴ اسفند و آغاز ثبت‌نام از داوطلبان این انتخابات نیز ۱۰ اسفند خواهد بود.

آغاز ثبت نام  
از داوطلبان  
انتخابات شوراها  
۲۲ اسفند

## از کف رفتن اعتماد اجتماعی در سیرجان

سمیرا سرجمی

مشترک او را هم یک جا تک کنند، حالا دیگر کمتر اتفاق می‌افتد راننده‌های برای پیاده‌ی حتما آشنا دل بسوزاند و او را سوار کند. دل هم بسوزاند و پایش روی ترمز بلرزد، سخت اعتماد می‌کند تا در ادامه پدال گاز را بدون تردید فشار دهد. وجدان را هم راحت می‌شود آرام کرد: «آخر میدانی شنیدیم شاید وقتی کسی که غریب است را سوار کنی، توی کیفش مواد مخدر داشته باشد و توی جاده که پلیس با سنگ مواد یا ماشین را متوقف کند، طرف جنسش را زیر صندلی راننده بگذارد.»

سابق بر این از بین رفتن سرمایه‌ی حس کمک‌رسانی و رحم و مروت فقط در کلانشهرها از بین رفته بود و در شهرهای کوچکی مثل سیرجان -که اکثر مردم همدیگر را می‌شناختند- همچنان وجود داشت اما در سال‌های اخیر قضیه برعکس شده. شهرهای کوچک در حال توسعه و تغییر در فرآیند دستکاری جمعیتی و فرهنگی به شدت آسیب اجتماعی دیده‌اند درحالی که در کلانشهرها حتا در برابر قوانین بد هم مردم بیشتر هوی هم را دارند گرچه همانجا هم زورگیری و کیف‌قاپی و سرقت گوهی در کف بوستان و خیابان‌ها می‌کنند.

اما از یک سری جنبه‌های دیگر برای مثال شما در تهران بیشتر از سیرجان حس همشهری بودن و کمک رسانی جمعی را مشاهده می‌کنید، این را می‌توان با یک مقایسه‌ی کوچک مثل تفاوت رفتار رانندگان خودروها و شیوه‌ی رانندگی کلانشهرها با سیرجان به هنگام مشاهده‌ی عبور یک پسر بچه‌ی سه‌چرخه‌سوار به همراه پدرش از عرض خیابان ثابت کرد.

«آقا امکانش هست گوشه‌تون بدین من یه زنگ کوتاه بزنم، ضروریه.»

گوشه‌م خاموشه.

یک دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد.

نه خانم، عجله دارم!

زن سراسیمه می‌دود به سمت یک مرد دیگر که بر روی موتورسیکلتش لم داده و مشغول بازی با گوشه‌ست.

همان خواهش را تکرار می‌کند و ملتسانه می‌گوید که گوشه‌اش خاموش شده و نمی‌تواند به راننده سرویس مدرسه دخترش زنگ بزند و بگوید زودتر دنبالش دخترش برود. مدیر مدرسه اعلام کرده بیاید چه‌جا را ببرید.

مرد جوان این‌ها را گوش می‌دهد و با خونسردی جواب سربالا می‌دهد: «خدا به سر شاهده همین دو سال پیش با همین حرف‌ها گول خوردم و گوشه‌مو دیدید، شرمنده».

زن دوباره با دستپاچی می‌گوید من شماره را می‌گویم، خودتان تماس بگیرید و این حرف‌ها را به راننده سرویس بگویید.

مرد کمی مکث می‌کند و این بار می‌گوید که شارژ گوشه‌اش برای تماس تلفنی خیلی کم است.

چیزی که مشخص است بسیاری از وقایع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی مثل کرونا موجب از بین رفتن حس جمعی و پررنگ شدن جنبه‌ی فردیت جوامع بشری در کل جهان شده است.

این میان در ایران از بین رفتن اقتصاد کشور و کوچک‌تر شدن سفره مردم نیز تا حدودی به تشدید این وضعیت دامن زده است. شرایط بد اقتصادی موجب افزایش سرقت بوده تا دیگر در جامعه کمتر شاهد پدیده‌هایی مثل تعاون و ایثار باشیم.

وضعیتی که می‌توان آن را خودخواهی افراطی دانست. خودخواهی‌ئی که با روحیه‌ی همکاری و تعاون که ضرورت بند شدن سنگ روی سنگ تمدن و رشد فرهنگ شهرنشینی است، تضاد آشکاری دارد.

رواج فرهنگ «به ما چه» و «دنبال دردسر نبودن» «گلیب خودت را از آب بکش و زندگی خودت را بچسب» از رهاوردهای غلبه‌ی همین روحیه‌ی خودخواهی است.

اگر پیشتر سواره‌ها بدون چشمداشت مالی و مسافرش بودن برای یک پیاده‌ی غریبه توقف می‌کردند تا در مسیر



## پس کی «صال» می‌کنن؟

احمدزید آبادی\*



گندم درو تا پسین خوشه می‌چیدیم و شو هم نون خشک می‌خوردیم و می‌خوابیدیم، هیچکی صدامون را نمی‌شنید. حالا میگی برم دستمه دراز کنم پیش قوم و خویش؟ میگی چپرا خودشون کمک نمی‌کنن؟ خودشون نمی‌کنن؟ تا گشنه‌شون نشه! هر چی بیشتر پولدار می‌شن، هارتر می‌شن! بگو می‌خواین این همه ر چه کار کنین؟ اصلا چپرا غیبت مردم؟ خاله من نمی‌خوام محتاج کسی باشم، عارم می‌آ از کسی چیزی بگیرم. حرف م به چیز دیگه! تبه مش تهمت ر یادت می‌آد خاله؟ کنار شنگی قنات دگون داشت. تبه او وقت بچه بودی. هر وقت سال که می‌رفتیم یه چی بخیریم، قیمتش فرقی نمی‌کرد. یه باطر نفت همیشه دوزار و ده شی بود. حالا قیمتا روز می‌کن، ساعت می‌کن، دقیقه می‌کن، ثانیه می‌کن! خب، اینا از خودشون سوال نمی‌کنن ما فقیرمردم چطو زندگی کنیم؟ چطو دختر عاروس کنیم؟ چطو پسر دوماذ کنیم؟ ئی فاطو ما ر دیدی؟ مثل و جوونه گلیه! آدم حظ می‌کنه نگاش کنه. دیگه حالا عاروسی شده. ولی هیچکی نمیا خواستگاریش. می‌کن چهیز نداره. می‌کن اینا فقیرن! همه می‌رن دنبالش پولدارا. هر کی یک لقمه نونی و داشته دنبالش پیاز می‌گرده. قدیما کی ایطو بود؟ حالا ایطو شده! ئی شد زندگی؟ این زندگیه برا ما درست کردن؟ الهی دونه سلطان بزنی! میگی نفرین نکنم؟ پس چکار کنم خاله؟ چه خاکی ور سر کنم خاله!...

سال=صلح، دیشو=دیشب، صبا بعدازظهر= فردا بعد از ظهر، پیداکنندگی = درآمد، پلوار=پروار، ته کفه = انتهای کویرنمک، شنگ = درخت زبان گنجشک، جوونه = جوانه، عاروسی شده = وقت عروس شدنش فرا رسیده، دونه سلطان = غده سرطان

\*منبع کانال این فعال سیاسی در تلگرام

هیچ وقت او را این همه عصبانی و ناراحت ندیده بودم. معمولا آرام و شمرده حرف می‌زند، اما این بار تویش چنان پر بود که ترجیح دادم فقط شنونده باشم و به ندرت وسط سخنانش نکته‌ای ببرانم. ماه‌طاعت را می‌گویم همان که خود را خاله پدرم معرفی می‌کند و ما هم آن را پذیرفته‌ایم، همین که «الوو» را گفت، مثل تبربار، خشاب ذهنش را خالی کرد. برای اینکه به طور دقیق متوجه سخنان ماه طاعت شوی؛ توصیه می‌کنم که ابتدا مترادفات واژه‌های مورد استفاده او را در پایین این یادداشت ببینید و بعد متن صحبت‌های او را بخوانید. او تقریبا با فریاد گفت:

«پس اینا کی می‌خوان سال کنن؟ پدر ما که در اومد! گرونی پشت گرونی، بیکاری، پشت بیکاری، آخه ما فقیر مردم چه گناهی در پیشگاه خدا کردیم که مستحق این همه خورای و ستم هستیم؟ دیشب رفتم دم دگون پسر قل‌مندا می‌شناسیش که! هومنی که تو عاروسی دخترش چاقو کشتی شد، زدن همدیگه ر کشتن. سه تا چیز گرفتیم گفت می‌شه ۳۰۰ هزار تومن! گفتیم اینا که هفته پیش می‌شد ۲۵۰ هزار تومن! گفت: دلار دیشو بالا رفته، گفتیم: خب رفته باشه، تبه که اینا ر دیشو پیدا کشتی شد، اینا ر که به تبه دادم صبا بعدازظهر که باید برم به جاشون گرون تر بخرم! گفتمش اگه دلار بیا پایین، بعد ازرون ترش می‌کنی؟ نمی‌کنی که خدا تو سرزده!»

یه والله این برنجووا هندی را کردن کیلویی صد هزار تومن! ئی کل‌اسمال به خدا مرضه، کار نمی‌تونه بکنه. بعد سر زمستونی کو کار؟ به خدا خاله ما پیداکنندگی اصلا نداریم. باید پیداکنندگی باشه که بشه یه چی خرید؟ همی چند سال پیش با صد هزار تومن می‌شد یه بره پلوار خرید، حالا برنج هندی شده کیلویی صد هزار تومن! به خدا هوش از کله آدم می‌پره! آخه اینا نمی‌فهمن ما بدبختیم، ما بیچاره‌ایم، چپرا نمی‌رن سال کنن؟ میگی نمی‌فهمن؟ خویم می‌فهمن خاله. چطو زن بیسوادی مٹ م تو این ته کفه می‌فهمه اونا نمی‌فهمن؟ خویم می‌فهمن، خرده برده‌ای دارن خاله، مگه می‌شه نفهمن؟ می‌گی چپرا قوم و خویشا کمک نمی‌کنن؟ خاله م آبرو دارم، یه عمر با آبروداری زندگی کردم، زحمت کشیدم، کار کردم. خدا بیامزه مارتنه، با هم می‌رفتیم

روز نیروی دریایی ایران

گرامی باد

هفتم آذرماه روز

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

نیروی دریایی در خط مقدم دفاع از کشور است.

روابط عمومی شرکت فرآوری مس درختان تخت‌گنبد

Shining Copper

هفتم آذرماه

روز نیروی دریایی

رابطه‌نگهبانان خستگی‌ناپذیر دریاهای تبریک می‌گوییم

Steel Company

شرکت چمن فولاد سیاحتی سیمان

روابط عمومی وامورین المل